

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور صلاح الدین سعیدی – سعید افغانی

۱۶/۳/۲۰۱۰

آزادی و دموکراسی بدون حاکمیت قانون مردود است!

خوانندگان گرامی و محترم توقع میرود که تحت عنوان بالا اولاً بر معنی لغوی، اصطلاحی، تاریخی و معاصر نظام های سیاسی اقتصادی دیموکراتیک و خود کلاً دیموکراسی متمرکز شویم. اماد مورد مطالب فوق آنقدر نوشته های وجود دارد که عمداً درین نوشته از آن دوری جسته و خواستم یک بخش دیگر بسیار کوچک از این مبحث بزرگ را عوض عام گویی ها با ذکر مثال های

مشخص و اندوخته های شخصی خویش پیشکش شما خوانندگان عالیقدر بدارم.

نظام و حاکمیت دموکراتیک و نظام مردمی در عصر امروزی همان نظام است که تحت نظر قوانین نافذ و مطابق به اصول و برنامه عام قبول شده دست آورد های بشری بوده. از مردم برخاسته و در خدمت همان ارزشهایی باشد که مردم و جامعه آن کشور آنرا ارزش میدانند.

اقتصاد بازار آزاد که همه چیز را عرضه و تقاضا تعیین کند و تحت نظر و حمایه قانون نباشد و موجودیت ظرفیت های رقابت آزاد در آن وجود نداشته باشد - اصلاً مردود است. ما نمونه آنرا در کشور خویش به گوشت و پوست احساس کردیم و میبینم.

منظور من ازین نوشته مثال مشخص و تمرکز مشخص به نوشته است که در بخش از سایت های افغانی به ملاحظه میرسد و نمونه های انحرافی آن در موارد زیاد از جانب عده ای از معزورین و یا هم مأمورین دنبال گردیده و عده ای هم در تبنانی به آن اند.

نوشته و عنوان زیبا محترم دکترنت.... تحت عنوان (از اندیشه های هویت شناسی مبنی بر تغییر نام افغانستان به خراسان - مارچ ۲۰۱۰ - قسمت چهارم) را مطالعه کردم. خود مفاهیم عنوان را به مفهوم هویت شناسی کسی رد کرده نه خواهد توانست. اما در محتوی هویت اختلاف داریم. ما از هویت افغانی صحبت داریم و دکترنت!؟ مذکور از هویت غیر موجود و قرنهای گذشته غیر عملی همراه با تعصب و پیشداوری صحبت و نوشته دارند. نوشته جناب شان در مواردی که ذیلاً ذکر خواهم کرد - خلاف اصول و فهم دموکراتیک و دموکراسی، خلاف قانون، خلاف

ارزشهای افغانی، اسلامی و انسانی است.

لذا توجه شما خوانندگان محترم و عالیقدر را به نقاط مشخص این نوشته ذیلاً جلب نموده از شما احترامانه خواهانم که خود قضاوت نموده و با موضع گیری های انسانی و قانونی مانع شر و فساد شده و همچو اندیشه های ضد اخوت افغانی و اسلامی را مشترکاً بیشتر تجرید و تقبیح نمائیم.

حالاً که بحث ما درین مورد هست ضرورت دیدیم جوانب از موضع را مورد بحث قرار دهم که در صورت عادی نمیخواستیم به آن تماس بگیریم. اولتر از همه کلمه و لغت دکترنت را من جدیداً می‌شنوم. از جانب دیگر در سال ۱۹۸۹ در چکوسلواکیا نظام سیاسی تغییر کرد و تمام مراجع که صرف و صرف مصروف تدریس مارکسیزم لنینیزم بودند لغو و القاب صادره توسط این مراجع (مکتب کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکیا) با سقوط نظام کمونیستی ۱۹۸۹ حتی مطابق به قوانین آنکشور لغو اعلان شد. دکترنت ما - آقای بصیر کامجو - به خاطریکه مکتب مذکور در سال ۱۹۸۹ لغو شد - حتی همان مکتب رانیز تکمیل نه کرده اند. (از جریانات چکوسلواکیا به خاطر نیز آگاه هستم که تصادفاً کار دوکتورای من در سال ۱۹۹۱ در آن کشور آغاز و بخشی از کار علمی خویش را در پوهنتون از هر شریف مصر - تکمیل و دوکتورای من در سال ۱۹۹۴ تکمیل گردید).

نمی دانم به اساس کدام معیار و مطابق کدام نورم دکترنت؟! ما که مضمون و نوشته بالا و نوشته های مشابه دارد و مصروف تفرقه قومی و لسانی و دامن زدن به افکار خلاف قانون و اخوت افغانی و اسلامی اند ازین لقب استفاده میکنند؟

اما آمدیم به محتوای بحث:

تشکیل دولت و کشور نقشه و رسم در هوا نیست. هر کشور از خود حدود و سرحدات دارد. نمی دانم که حدود و سرحدات این کشور تخیلی جناب دکترنت؟! فوق از کجا آغاز و به کجا ختم خواهد شد؟ و این حدود و سرحدات تاریخی را کی با کی در مورد توافق خواهند کرد؟

به دست گرفتن کتب تاریخ، کاپی کردن و روی نویسی آن و پر کردن سایت های انترنیتی و صفحات ضیاع وقت خود و دیگران است و این را من اصلاً نوشته و مضمون مفید نمی دانم. جناب شان باید تفاوت کروئولوژی (واقع نگاری و سنه نگاری) و هستوری (تاریخ به مفهوم واقعی کلمه) را تمیز نموده و درین راستا تعمق بدارند.

و اما آمدیم به بحث خویش روی محتوای عنوان ما:

آزادی مطبوعات و دیموکراسی با نوشته های غیر مسؤولانه، توهین و تحقیر دیگران، خود را گستاخانه و فضولانه یگانه وارث این و یا آن قوم دانستن و در واقعیت دست به فساد و تفرقه زدن و بزرگی یکی را در توهین به دیگری خلاصه کردن، و حتی در موارد نقش عبدالله بن صباح یهودی را که با پیراهن به خون آغشته حضرت عثمان دست به شر و فتنه دیگر میزد و بالاخره به این ترتیب عمل و گفتار خلاف قانون و اسلام و خلاف حتی اندیشه های انترناسیونالیزم پرولتری؟! کردن، نوشتن مطالب خلاف تمام اصول و ضوابط قبول شده جوامع مدرن بشری - و قابل باز پرس و پیگرد قانونی است.

نوشته (از اندیشه های هویت شناسی مبنی بر تغییر نام افغانستان به خراسان مارچ ۲۰۱۰ قسمت چهارم) منتشره و بوب سایت های افغانی مشخصات فوق ضد انسانی را دارد که من به صورت مشخص مثال های آنرا خدمت شما برای قضاوت و تصمیم پیشکش میکنم. من به این باور نیستم که این اولین و آخرین مطلب ازین قماش است. اما

ضرورت میدانم که با موضع گیری های صاف و پوست کنده همچو نظریات و افکار متعصب و پیشداورانه و تفرقه های قومی و لسانی را تجرید و افشاء کرد و جای پای شان در جامعه نگذاشت.

نام افغانستان و کلمه افغان و افغانستان تاجائیکه انسانهای امروز معلومات دارند در نوشته سنگی داریوش کبیر که متعلق به قرن ۱۶ ق م است آمده و این کلمه اطلاق به پکتوس ویا پینتون شده. کلمه خراسان از زمان ظهور اسلام مروجتر گردیده و این سرزمین به بخشی از سرزمین های شمال افغانستان امروز اطلاق میگردد که شامل تاجیکستان و مناطق جوار دریای آمو و برخی از مشهد و اصفهان را نیز شامل بود. این نام شامل مناطق پکتیا و کندهار و بخش جنوبی افغانستان امروزی نیست.

زمانیکه به عمق اندیشه فوق توجه میداریم به صراحت درمیابیم که برای احیاء تاریخ چند هزار ساله اراده همچو افراد مانند دکتر نت؟! بالا ضرورت است. به یقین گفته میتوانم که عقل سلیم آنرا اقلأ غیر عملی و بی معنا میدانند. زمانیکه به عمق این مسأله و علم برداران این افکار و کنه آن می اندیشم این افکار در چوکات ستراتیژی های پالیسی میکران پاکستانی میگنجد که برای پاکستان بزرگ که دقیقاً شامل همین برنامه های خراسانی؟! ها و قسما آریانیایی ها؟! است. یعنی پاکستان امروز میخواهد که نه تنها مناطق پشتون و بلوچ را به طور دایم تصاحب کند بلکه میخواهد بخشی از مناطق افغانستان امروز را نیز ضم خود ساخته و پاکستان بزرگ بسازد. دقیقاً همان بخش های که در برنامه های این خراسانی ها نمی گنجد.

این افراد خود از نام دیگران بدون مجوز صحبت دارند و نمایندگی میکنند. استعمال کلمه فضول به آدرس ایشان تصادفی نبود بلکه محتوای خود را دارد. در فقه و حقوق اصطلاح است به نام فضول. تاجر فضول، تجارت فضولی و خرید و فروش فضولی. این کلمه به کسی اطلاق میشود که بدون آگاهی مالک مال در مال وی تصرف ملکیتی نموده و مال کسی را معامله و خرید و فروش میدارند. این بیع و شراء و این معاملا در اساس فسخ و باطل پنداشته میشود. این افراد به فهم من چنین حیثیت را دارند. بخاطریکه که مشروعیت پیدا کنند و از حالت فضولی خارج شوند باید در قرن ۲۱ صندوق هائی به اساس قومی گذاشته شود تا این افراد با مشروعیت از نام قوم و طایفه مشخص صحبت و نمایندگی کرده بتوانند و از کتگوری فضول خارج گردند. گذاشتن صندوق به اساس قوم در قرن ۲۱ خطاء و غیر عملی و غیر قانونی است. لذا پروسه معیار اصلی را باید به اصل تابعیت و انسانیت جهت داد تا به اتکاء تا به اصل قومی و زبانی.

از جانب دیگر ملت افغان متشکل از اقوام مختلف است. استعمال نادرست مفهوم ملیت در پهلوی ملت یک غلط فهمی عام است که موجب افاده های غیر دقیق معین نیز میگردد.

زمانیکه به عمق این اندیشه متوجه میشویم دقیقاً این اندیشه ها در چوکات ستراتیژی های ایران بزرگ میگنجد. یعنی همان ستراتیژی که حاکمیت ایران امروزی برای تحقق آن تحت زعامت شان تلاش دارند. تمام شواهد نشان میدهد که ایجاد تلویزیون فارسی زبان در سطح منطقه به سردمداری حاکمیت ایران امروز هم در برنامه های این ستراتیژی شامل است. بلی این ستراتیژی ها در برنامه های وسیع دیگر خط نور (اسکان ...) و هم جای خاص خویش را دارند.

غلط فهمی نشود افتخارات خراسان و آریانا افتخارات تاریخی مشترک مردم این حوزه است و این افتخارات در خطه ایران امروز هم خلاصه نمی شود و نیست.

یک مثال بد و به باب دندان همچو افراد که نام افغانستان را تغییر دادن میخواهند خدمت شما تقدیم کنم: استعمال نیکتائی به معنای همدردی و توافق به مفکوره و قبول مفکوره به دار آویخته شدن حضرت مسیح است. در حالیکه

مطابق به اندیشه ها و فهم اسلامی و قرانی حضرت عیسی مسیح نه به دار آویخته شده و نه هم به آتش سوختانده شده. بلکه مطابق به قرآن کریم (و لاکن شبهه به قومهم ...) کسی دیگر را اشتباهی گرفتند و بحث ما دور نه رود. حالا نیکتائی یک فرهنگ و یک کلچر است. حالا کلمه افغانستان و افغان یک هویت است. افغان به کسی اطلاق میگردد که تابعیت افغانستان را دارد. این کشور اولاد هائی دارد که از یک پدر و مادر (آدم و هوا) و انسان به دنیا آمده و در وجود شان یک رنگ خون است و در یک سرزمین مشترک مانند یک باغ دارای گل های متفاوت که هر یک از آن ضرورت به پرورش و واریسی دارد به سر میبرند. عادات و رسوم کسبی اند. اندیشه هیتلر که خون آریائی برتر و امثال آن اندیشه های مردود است. تقسیمات قومی و قبیله ئی از لحاظ اسلامی (و جعلناکم شعوبا و قبایلا لتعارفوا. ان اکرمکم عندالله اتقاکم - شما را به شعبات و قبایل تقسیم نمودیم که شناخته شوید . نزدیک ترین شما نزد پروردگار شما متقی ترین شماست). این است فهم ما از مسأله . من به این باورم که به استثناء افراد انگشت شمار مأمور و یا هم معذور و یا هم دارای تجارب شخصی منفی بقیه مردم افغانستان به یک افغانستان واحد و زندگی در اخوت و برادری و صلح می اندیشند. به یقین واقعیت مسأله چنین است.

تجزیه افغانستان مطابق به خواست هیچ افغان خیراندیش و اولاد اصیل این کشور اعم از پشتون، تاجک، ازبک، هزاره و دیگر اقوام این کشور نیست و به نفع آنها نمیباشد.

اینکه کسی و یا فردی میخواهد نام افغانستان را تغییر دهد. قانون اساسی کشور را تغییر دهد (من هم به این قانون اساسی موافق نیستم) سرود ملی را دیگر کند، بیرق این کشور را تغییر دهد و برای آن در چوکات قانون کار میکند و خلاف اصول و رسوم قبول شده غیر قابل عبور خانه مشترک نیست - کاملا حق انسان است و درین مورد مشکل وجود ندارد.

با دموکراسی کسی مشکل ندارد که آنرا تصنعی رو پوش اعمال غیر دیموکراتیک خود سلخته استفاده سوء مینماید. با دموکراسی کسی مشکل دارد که آنرا امر جدی تلقی میکند. دیموکراسی را در تمام زوایای زندگی سیاسی پیگیر عملی کردن میخواهند.

من به این باور نیستم که همه باید مطابق به خط کشی ها و معیار هائی که ما تعیین میکنیم بیندیشند. این را حد اقل گستاخی میندازم.

یکی از مشکلات افغانستان و کشور های عقب افتاده هم همین بود و هست که هر حاکم و زور مند هر وزیر امنیت و داخله چنان عمل میکرد که برای دیگران تعیین میکرد که دیگران باید چه نوع بیندیشد در غیر آن به زندان، سیاه چاه ها، پلیگون ها، و پیگرد های سیاسی مواجه خواهند شد.

چنانچه ما حق فکر کردن و نظر را برای خود میدهیم بر ما ست تا دیگران را نیز از چنین حق محروم نکنیم. اما بر ما ست تا به آنچه باور داریم و برحق میندازیم باید با تمام قوت و رساتر استدلال نموده و آنرا بیان و ارائه کنیم

(اگر بینی که نابینا و چاه است

اگر خاموش بنشیننی گناه است).

بلی اگر ما بر به حق بودن راستی خود باور داریم باید برای اشاعه و تحقق آن کار کرد. اما مشکل زمانی آغاز میگردد که ما نظر و راستی خویش را به هر وسیله مشروع و **نا مشروع بر دیگران قبول کردن و تحمیل کردن** میخواهیم.

ما حق داریم که در پست دولتی نیز مانند شخص انفرادی نظر خویش را در موارد مختلف با استدلال آن ارائه کرده بتوانیم و این حق ماست. مشکل زمانی آغاز میشود که ما با استفاده از پست دولتی مخالفین نظریات خویش را مورد

پیگرد قرار بدهیم.

بلی ما حق داریم اظهار نظر نموده و برای تحقق آن در چوکات اصول دموکراتیک و آزادی بیان کار کنیم. اما توهین، تحقیر و دشنام به دیگران آزادی بیان و دموکراسی نیست.

گفتار و عمل ایشان در مواردی که مشخص مثال خواهیم آورد عمل چنانچه گفته آمدیم گفتار و عمل خلاف قانون و حد اقل گستاخی بیش نیست.

اظهارات و نوشته ذیل اظهارات خلاف نورم های دیموکراتیک، خلاف اصول شناخته شده بشری و دیموکراسی امروز است. کشورها و جوامع مختلف بشری نیز مشکلات با افراد و گروهک های فاشیستی، سکتاریستی، متعصب قومی، لسانی، منطقه ئی و نژادی را داشتند و دارند. در کشورها و جوامع پیشرفته همچو افراد، متخلفین و همچو مریضان روانی را به شاروالی های مربوطه احضار نموده با آنها صحبت می دارند، ایشان را به دوکتوران روانی و معالجه در مواردی که مصرف خودشان اعزام میدارند. در مواردی برای شان تذکرات، توصیه ها، جریمه های نقدی و در موارد معینی به پولیس و شارنوالی جهت تحقیق و ریشه یابی بیشتر میفرستند. مراکز همزیستی مدنی و مراجع عدلی و قضائی در مورد اقدامات متوازن و غیر مضر مینمایند. هر نوع افراط و تفریط در زمینه خطا و مضر است و خود عمل افراطی سبب ایجاد مشکل میگردد تا حل کننده باشد.

مثال های مشخص:

دکترنت؟! ما تحت عنوان (ازاندیشه های هویت شناسی مبنی بر تغییر نام افغانستان به خراسان مارچ ۲۰۱۰ قسمت چهارم)

مینوسد: ".... جز مؤلفه های راهبرد سیاسی نهاد های جوامع سرمایه داری می باشند". این نظر نظر سیاسی، نادرست کمونیستی و چپی است که بر اساس طبقات و مبارزات طبقاتی و آشتی ناپذیری طبقاتی استوار است که در قرن امروزی از آشتی طبقاتی صحبت است و تعاریف انسان زحمتکش نیز فرق میکند. انسان یا ظالم است یا مظلوم، انسان یا زحمت کش است و یا هم بیکاره، انسان یا دارای دانش است یا بی دانش و امثال آن معیار های دیگر تعیین کننده است تا معیار های طبقاتی این نظر نظر سیاسی است که کرکتر جزایی ندارد.

دکترنت؟! مذکور در نوشته مذکور مینویسد: ".... دردا که آمریکا و انگلیس (نیروهای ائتلاف) و دولت دست نشانده حامد کرزی و استخبارات پاکستان و عربستان سعودی و دیگر حلقات سیاسی وابسته به آنها تاکنون از مجاری مختلف پنهانی و آشکار نقش سازنده خود را در تسلیح و تمویل قدرت نظامی و جنگی طالبان و تقویه تروریزم بین المللی ایفاء کرده اند. نه در نابودی آنها...."

" از حضور سربازان ایالات متحده [و انگلیس] در افغانستان، تولید تریاک از ۱۸۵ تن به ۷۷۰۰ تن افزایش یافته است

بنا بر آمار های اخیر، در سال ۲۰۰۱ در افغانستان ۱۸۵ تن مواد مخدر..... براساس گزارش اخیر دفتر سازمان ملل در مسائل در ۹۲ در صد تریاک جهان در افغانستان تولید میشود."

این نظر در موارد معین کرکتر جزایی و خلاف قانون را دارد

دکترنت؟! مذکور در نوشته مذکور مینویسد: ".... با تعقیب این هدف: انگلیس، آمریکا و اسرائیل بر اثر شناخت دقیق شان از اصل و نسب پشتون ها و معاملات تاریخی ای که آنها در گذشته با استعمار کهنه انگلیس داشته اند به این باور رسیده اند که مناسب ترین نیروی که میتواند در تأمین منافع سیاسی و اقتصادی جوامع صنعتی نقش سازنده بازی نماید و منطقه را پیوسته در خون و آتش نگه داشته باشد همین قوم افغان پشتون تفرنگ دار است."

این نظر از لحاظ قانونی قابل پیگرد و خلاف نورم های قبول شده بین المللی و انسانی است. با دیموکراسی و آزادی بیان هیچ ربط ندارد. این نظر کرکتر جزایی دارد.

دکترنت؟! مذکور در نوشته مذکور مینویسد: "... و بدانند زمانیکه پدران ما در قرن ششم پیش از میلاد از سومالی، و مصر شروع تا هندوستان و سرحد چین فرمانروایی داشتند، چنانکه در فوق آمد انگلستان امروزی اصلاً در روی نقشه جهانی وجود نداشت. اما چه شد که حالا، **صدر اعظم این کشور با یک تلفن برای سرزمین آریایی ها و خراسانی ها رئیس جمهوری تعیین می کند.** نظر خلاف قانون و نورم های قبول شده و قابل پیگرد قانونی است. خلاف قانون و خلاف آزادی مطبوعات و دموکراسی است.

دکترنت؟! مذکور در نوشته مذکور میافزاید: حضور چنین شرایط ناخرسند **علتش دوری رهبران شوونیزم قبیله اوغان** از فرهنگ باستانی این سرزمین معارف پرور است. تازمانیکه روشنفکران **ور رهبران شوونیزم قبیله پشتون در فرمانبرداری مطلق از سیاست مجامع سرمایرداری در پی نابودی زبان فارسی و فرهنگ باستانی این سرزمین باشند.** کشور ما مانند ایران و تاجکستان و ازبکستان و ترکمنستان و آذربایجان و ترکیه و سایر کشور های هم فرهنگ ما **استقلال و آزادی نخواهد داشت.** و به رشد مستقل ملی نخواهد گرائید و مشروعیت قانونی و حقوقی نخواهد یافت. و همیشه در گروه شوونیزم قبیله مرکز گرا و ابسته به انگلیس و آمریکا در شعله جنگ خواهد سوخت." نظر خلاف قانون و نورم های قبول شده و قابل پیگرد قانونی است. خلاف قانون و خلاف آزادی مطبوعات و دموکراسی است.

تمام شواهد و قراین نشان میدهد که تلاشهای مشابه که از تجارب متعصبانه انفرادی، خشک سری، مأمور و معذور بودن آب میخورند به نفع و در خدمت کشور ما نبوده و نیست. بر اثر همین افکار غلط، مشاورین و ترجمان نادرست و بی کاره، متعصب، معذور و مأمور اند که سبب اظهارات لغزش آمیز بزرگ سیاسی، سوء تفاهات، تدابیر نادرست و اظهارات غیر موجه مانند اظهارات دیپلمات ارشد ایالات متحده آمریکا در رابطه به افغانستان میگردد. پشتون را طالب و طالب را در پشتون خلاصه کردن و اظهارات مشابه غیر موجه و تلاش برای ترمیم و تصحیح بعدی اظهارات و شکوه و ناله به شیر ریخته شده مرمت و مرهم کافی به نیش و زهر ترزریق شده نه خواهد گذاشت. در سیاست همچو اشتباه بخشودنی نیست. برخورد دموکراتیک و نورمال حکم میکند که مسؤلین که مرتکب چنین اشتباه بزرگ سیاسی میشوند باید ثمره و نتایج اظهارات سیاسی غیر موجه خویش را ببینند. اصول دیموکراتیک، توقع جامعه جهانی و مردم صلح دوست و مستضعف افغانستان همین است. این حالت، این فهم، این موضع گیری و این تعصبات و پیش داوری ها و حق تلفی ها یکی از عوامل عمده ادامه جنگ در افغانستان و منطقه است. این فهم و این موضع گیری ها و نتایج آن سبب ریختن اشک و خون بیشتر انسان گشته و مردم ما از آن رنج ها و مشقات بزرگ را متحمل شده و خواهند شد. این حالت و این فهم تیشه بر ریشه خود زدن و کمک به دیگران است.

این فهم و این موضع سبب و عامل عمده ضرورت به تابوت بیشتر خواهد شد.

برماست تادریں راستابا تمام صراحت موضع گیری متناسب داشته و از دشواری های فعال شدن دشمنان مردم افغانستان علیه خویش نه هراسیده با متانت و استواری دست به دست هم داده همچو اندیشه ها را افشاء و مستدل تجرید نمائیم.

ارگانهای عدلی و قضایی کشور و مجامع بین المللی نیز باید به نام انسان و انسانیت و حاکمیت قانون و دموکراسی که در آن قانون حاکمیت دارد با این بلند گویان شر و فساد را برخورد متناسب قانونی بدارند. برگرداندگان ویب سایت ها است تا عوض بی طرفی در طرف ملت و مردم و اندیشه های انسانی قرار گرفته مطالب خیر و صدای افغان و انسانیت را بیشتر علم بردار گردند. امید وارم تمام افراد و اشخاص خیر اندیش درین راستا با تمام قوت و رساتر، بدون ماست مالی برای خیر دست به دست هم داده و فضای اعتماد و صمیمیت افغانی و انسانی را بیشتر تقویت و مساعدت خیر عملی و فعال نمایند.

والسلام علی من اتبعی الهدی

یادداشت:

پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" ضمن آنکه حمایت و پشتیبانی قاطع خویش را از اهداف وحدت طلبانه و میهن دوستانه نویسنده محترم ابراز می دارد، با صراحت کامل بر این نکته تأکید می ورزد که حالت اشغالی کشور و موجودیت اداره مستعمراتی کرزی به مثابه علت العلل بروز افکار ضد انسانی و ضد میهنی در کشور بوده، برماست به تناسب علاقه خویش به کشور، به هویت ملی، به تمامیت ارضی، وحدت ملی، سربلندی و بهروزی مردم آن، استعمار و نوکران زرخرید آنرا به هر رنگی که جامه پوشیده باشند، آماج حملات خویش در تمام زمینه ها قرار دهیم.

ما را اعتقاد راسخ بر آن است که در یک افغانستان آزاد- آباد و مستقل که تمام مردم در آن دارای حقوق و جایب مساوی باشد و هیچ گونه تبعیضی در آن و جود نداشته باشد، هیچ جایی برای تفرقه اندازان و دشمنان وحدت ملی و سرافرازی کشور باقی نخواهد ماند.

به امید آنروز و به پیش به خاطر ایجاد چنان میهنی

اداره پورتال AA-AA